

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ﴿١﴾

**فولادوند:** ستایش خدایی را که این کتاب [آسمانی] را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ گونه کژی در آن ننهاد

**مکارم:** حمد مخصوص خدائی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده (برگزیده‌اش) نازل کرد و هیچگونه کژی در آن قرار ندارد.

قِيمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ﴿٢﴾

**فولادوند:** [کتابی] راست و درست تا [گناهکاران را] از جانب خود به عذابی سخت بیم دهد و مؤمنانی را که کارهای شایسته

می‌کنند نوید بخشد که برای آنان پاداشی نیکوست

**مکارم:** کتابی که ثابت و مستقیم و نگاهبان کتب دیگر است، تا (بدکاران را) از عذاب شدید او بترساند، و مؤمنان را که عمل صالح

انجام می‌دهند بشارت دهد که پاداش نیکویی برای آنهاست.

مَا كَثِيرٌ فِيهِ أَبَدًا ﴿٣﴾

**فولادوند:** در حالی که جاودانه در آن [بهشت] ماندگار خواهند بود

**مکارم:** (همان بهشت برین که) جاودانه در آن خواهند ماند.

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ﴿٤﴾

**فولادوند:** و تا کسانی را که گفته‌اند خداوند فرزندی گرفته است هشدار دهد

**مکارم:** و (نیز) آنها را که گفتند خداوند فرزندی (برای خود) انتخاب کرده انداز کند.

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبِرَتْ كَلِمَةٌ تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ﴿٥﴾

**فولادوند:** نه آنان و نه پدرانشان به این [ادعا] دانشی ندارند بزرگ سخنی است که از دهانشان برمی‌آید [آنان] جز دروغ

نمی‌گویند

**مکارم:** نه آنها (هرگز) به این سخن یقین دارند و نه پدرانشان، سخن بزرگی از دهانشان خارج می‌شود، آنها مسلماً دروغ

می‌گویند.

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ﴿٦﴾

**فولادوند:** شاید اگر به این سخن ایمان نیاورند تو جان خود را از اندوه در پیگیری [کار]شان تباه کنی

**مکارم:** گویی می‌خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند!

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿٧﴾

**فولادوند:** در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیور برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند

**مکارم:** ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می کنند!

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿٨﴾

**فولادوند:** و ما آنچه را که بر آن است قطعا بیابانی بی گیاه خواهیم کرد

**مکارم:** (ولی این زرق و برقها پایدار نیست)، و ما (سرانجام) قشر روی زمین را خاک بی گیاهی قرار می دهیم!

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿٩﴾

**فولادوند:** مگر پنداشتی اصحاب کهف و رقیم [=خفتگان غار لوحه دار] از آیات ما شگفت بوده است

**مکارم:** آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟!

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾

**فولادوند:** آنگاه که جوانان به سوی غار پناه جستند و گفتند پروردگار ما از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما به

سامان رسان

**مکارم:** زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند، و گفتند: پروردگار! ما را از سوی خود رحمتی عطا کن، و راه

نجاتی برای ما فراهم ساز!

فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿١١﴾

**فولادوند:** پس در آن غار سالیانی چند بر گوشهایشان پرده زدیم

**مکارم:** ما (پرده خواب را) در غار بر گوشهشان زدیم، و سالها در خواب فرو رفتند.

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحَزِينِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ﴿١٢﴾

**فولادوند:** آنگاه آنان را بیدار کردیم تا بدانیم کدام یک از آن دو دسته مدت درنگشان را بهتر حساب کرده اند

**مکارم:** سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار گردد که) کدام یک از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر حساب

کرده اند.

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ﴿١٣﴾

**فولادوند:** ما خبرشان را بر تو درست حکایت می کنیم آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان

افزودیم

**مکارم:** ما داستان آنان را بحق برای تو بازگو می کنیم؛ آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان

افزودیم.

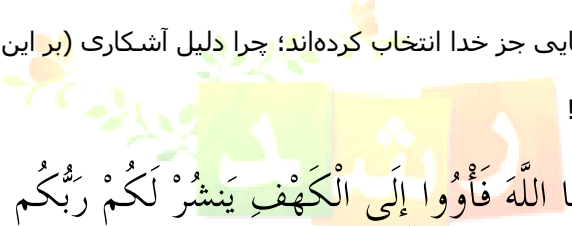
وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهَا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا ﴿١٤﴾

**فولادوند:** و دل‌هایشان را استوار گردانیدیم آنگاه که [به قصد مخالفت با شرك] برخاستند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند که در این صورت قطعاً ناصواب گفته‌ایم

**مکارم:** و دل‌هایشان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و گفتند: پروردگار ما، پروردگار آسمانها و زمین است؛ هرگز غیر او معبودی را نمی‌خوانیم؛ که اگر چنین کنیم، سخنی بگراف گفته‌ایم.

هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ آلِهَةٍ لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَانٍ بَيْنِ يَدَيْهِمْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿١٥﴾

**فولادوند:** این قوم ما جز او معبودانی اختیار کرده‌اند چرا بر [حقانیت] آنها برهانی آشکار نمی‌آورد پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد

**مکارم:** این قوم ما هستند که معبودهایی جز خدا انتخاب کرده‌اند؛ چرا دلیل آشکاری (بر این کار) نمی‌آورند؟! و چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ ببندد؟! 

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا ﴿١٦﴾

**فولادوند:** و چون از آنها و از آنچه که جز خدا می‌پرستند کناره گرفتید پس به غار پناه جوید تا پروردگارتان از رحمت‌خود بر شما بگستراند و برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد

**مکارم:** و (به آنها گفتیم:) هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می‌پرستند کناره‌گیری کردید، به غار پناه برید؛ که پروردگارتان (سایه) رحمتش را بر شما می‌گستراند؛ و در این امر، آرامشی برای شما فراهم می‌سازد!

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَّوَرُّ عَنِ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا ﴿١٧﴾

**فولادوند:** و آفتاب را می‌بینی که چون برمی‌آید از غارشان به سمت راست مایل است و چون فرو می‌شود از سمت چپ دامان برمی‌چیند در حالی که آنان در جایی فراخ از آن [غار قرار گرفته] اند این از نشانه‌های [قدرت] خداست خدا هر که را راهنمایی کند او راه‌یافته است و هر که را بی‌راه گذارد هرگز برای او یاری راهبر نخواهی یافت

**مکارم:** خورشید را می‌دیدی که به هنگام طلوع به طرف راست (غار) آنها متمایل می‌گردد، و به هنگام غروب بطرف چپ، و آنها در

محل وسیعی از غار قرار داشتند، این از آیات خدا است، هر کس را خدا هدایت کند هدایت یافته واقعی او است، و هر کس را گمراه کند ولی و راهنمایی هرگز برای او نخواهی یافت.

وَتَحْسَبُهُمْ آيِقَاطًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ  
اطَّلَعَتْ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَكَلِمَتْ مِنْهُمْ رُعبًا ﴿١٨﴾

**فولادوند:** و می‌پنداری که ایشان بیدارند در حالی که خفته‌اند و آنها را به پهلو راست و چپ می‌گردانیم و سگشان بر آستانه [غار] دو دست خود را دراز کرده [بود] اگر بر حال آنان اطلاع می‌یافتی گریزان روی از آنها برمی‌تافتی و از [مشاهده] آنها آکنده از بیم می‌شدی

**مکارم:** (اگر به آنها نگاه می‌کردی) می‌پنداشتی بیدارند، در حالی که در خواب فرو رفته بودند، و ما آنها را به سمت راست و چپ می‌گردانیم (تا بدنشان سالم بماند) و سگ آنها دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود (و نگهبانی می‌کرد) اگر به آنها نگاه می‌کردی فرار می‌نمودی، و سر تا پای تو از ترس و وحشت پر می‌شد.

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْنَا قَالَ أَوَلَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ نَفْسًا وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ  
بِمَا لَبِثْتُمْ فَبِعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ  
وَلَا يُشْعِرَنَّ بَكُمْ أَحَدًا ﴿١٩﴾

**فولادوند:** و این چنین بیدارشان کردیم تا میان خود از یکدیگر پرسش کنند گوینده‌ای از آنان گفت چقدر مانده‌اید گفتند روزی یا پاره‌ای از روز را مانده‌ایم [سرانجام] گفتند پروردگارتان به آنچه مانده‌اید دانایانتر است اینک یکی از خودتان را با این پول خود به شهر بفرستید تا ببیند کدام یک از غذاهای آن پاکیزه‌تر است و از آن غذایی برایتان بیاورد و باید زیرکی به خرج دهد و هیچ کس را از [حال] شما آگاه نگرداند

**مکارم:** همینگونه ما آنها را (از خواب) برانگیختیم تا از یکدیگر سؤال کنند، یکی از آنها گفت چه مدت خوابیدید؟ آنها گفتند یکروز یا بخشی از یکروز (و چون درست نتوانستند مدت خوابشان را بدانند) گفتند پروردگارتان از مدت خوابتان آگاهتر است، اکنون یک نفر را با این سکه‌ای که دارید به شهر بفرستید تا بنگردد کدامین نفر از آنها غذای پاکتری دارند، از آن مقداری برای روزی شما بیاورد، اما باید نهایت دقت را به خرج دهد و هیچ کس را از وضع شما آگاه نسازد.

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٢٠﴾

**فولادوند:** چرا که اگر آنان بر شما دست‌یابند سنگسارتان می‌کنند یا شما را به کیش خود بازمی‌گردانند و در آن صورت هرگز روی رستگاری نخواهید دید

**مکارم:** چرا که اگر آنها از وضع شما آگاه شوند سنگسارتان می‌کنند، یا به آئین خویش شما را باز می‌گردانند، و در آن صورت هرگز روی رستگاری را نخواهید دید!

وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ﴿٢١﴾

**فولادوند:** و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع می‌کردند پس [عده‌ای] گفتند بر روی آنها ساختمانی بنا کنید پروردگارشان به [حال] آنان دانایتر است [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند حتما بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد

**مکارم:** و اینچنین مردم را متوجه حال آنها کردیم تا بدانند وعده (رستاخیز) خداوند حق است و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست، در آن هنگام که میان خود در این باره نزاع می‌کردند: گروهی می‌گفتند بنائی بر آن بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند و از آنها سخن نگوئید که) پروردگارشان از وضع آنها آگاهتر است (ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند و آنرا دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم (تا خاطره آنها فراموش نشود).

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَتَأْمِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٢﴾

**فولادوند:** به زودی خواهند گفت سه تن بودند [و] چهارمین آنها سگشان بود و می‌گویند پنج تن بودند [و] ششمین آنها سگشان بود تیر در تاریکی می‌اندازند و [عده‌ای] می‌گویند هفت تن بودند و هشتمین آنها سگشان بود بگو پروردگارم به شماره آنها آگاه‌تر است جز اندکی [کسی شماره] آنها را نمی‌داند پس در باره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچ کس جويا مشو

**مکارم:** گروهی خواهند گفت آنها سه نفر بودند که چهارمینشان سگ آنها بود، و گروهی می‌گویند پنج نفر بودند که ششمین آنها سگشان بود - همه اینها سخنانی بدون دلیل است - و گروهی می‌گویند آنها هفت نفر بودند و هشتمینشان سگ آنها بود، بگو پروردگار من از تعداد آنها آگاه‌تر است جز گروه کمی تعداد آنها را نمی‌دانند، بنابراین در باره آنها جز با دلیل سخن مگوی و از هیچکس پیرامون آنها سؤال منما.

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾

**فولادوند:** و زنهار در مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد

**مکارم:** و هرگز نگو من فردا کاری انجام می‌دهم.

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْذُكْرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا ﴿٢٤﴾

**فولادوند:** مگر آنکه خدا بخواهد و چون فراموش کردی پروردگارت را یاد کن و بگو امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیکتر از این به صواب است هدایت کند

**مکارم:** مگر اینکه خدا بخواهد، و هر گاه فراموش کردی (جبران نما) و پروردگارت را بخاطر بیاور، و بگو امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این هدایت کند.

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا ﴿٢٥﴾

**فولادوند:** و سیصد سال در غارشان درنگ کردند و نه سال [نیز بر آن] افزودند

**مکارم:** آنها در غار خود سیصد سال درنگ کردند، و نه سال نیز بر آن افزودند.

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرُ بِهِ وَأَسْمِعُ مَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنَ وَلِيِّ وَلَا يَشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾

**فولادوند:** بگو خدا به آنچه درنگ کردند داناتر است نهان آسمانها و زمین به او اختصاص دارد و چه بینا و شنواست برای آنان یآوری جز او نیست و هیچ کس را در فرمانروایی خود شریک نمی‌گیرد

**مکارم:** بگو خداوند از مدت توفیقشان آگاهتر است، غیب آسمانها و زمین از آن او است راستی چه بینا و چه شنوا است؟ آنها هیچ ولی و سرپرستی جز او ندارند، و هیچکس در حکم او شریک نیست.

وَآتِلْ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٧﴾

**فولادوند:** و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بخوان کلمات او را تغییردهنده‌ای نیست و جز او هرگز پناهی نخواهی یافت

**مکارم:** آنچه بتو از کتاب پروردگارت وحی شده تلاوت کن، هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی‌سازد، و ملجا و پناهگاهی جز او نمی‌یابی!

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿٢٨﴾

**فولادوند:** و با کسانی که پروردگارش را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند شکیبایی پیشه کن و دو دیده‌ات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است اطاعت مکن

**مکارم:** با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنها ذات او را می‌طلبند، هرگز چشمهای خود را، بخاطر زینتهای دنیا، از آنها برمگیر، و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن، همانها که پیروی هوای نفس کردند، و کارهایشان افراطی است.

وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا

وَإِنْ يَسْتَعِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٢٩﴾

**فولادوند:** و بگو حق از پروردگارتان [رسیده] است پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم که سراپرده‌هایش آنان را در بر می‌گیرد و اگر فریادرسی جویند به آبی چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می‌کند یاری می‌شوند و چه بد شرابی و چه زشت جایگاهی است

**مکارم:** بگو این حق است از سوی پروردگارتان، هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود) و هر کس می‌خواهد کافر گردد، ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم که سراپرده‌اش آنها را از هر سو احاطه کرده است، و اگر تقاضای آب کنند آبی برای آنها می‌آورد همچون فلز گداخته که صورتها را بریان می‌کند، چه بد نوشیدنی است و چه بد محل اجتماعی؟!

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾

**فولادوند:** کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدانند که] ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباه نمی‌کنیم

**مکارم:** مسلماً کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد.

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٣١﴾

**فولادوند:** آنانند که بهشت‌های عدن به ایشان اختصاص دارد که از زیر [قصرها] شان جویبارها روان است در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند و جامه‌هایی سبز از پرنیان نازک و حریر ستبر می‌پوشند در آنجا بر سریرها تکیه می‌زنند چه خوش پاداش و نیکو تکیه‌گاهی

**مکارم:** آنها کسانی هستند که بهشت جاودان از ایشان است، باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختان و قصرهایش جاری است، در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته‌اند، و لباسهای (فاخری) به رنگ سبز از حریر نازک و ضخیم در بر می‌کنند، در حالی که بر تختها تکیه کرده‌اند، چه پاداش خوبی و چه جمع نیکویی؟!

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا ﴿٣٢﴾

**فولادوند:** و برای آنان آن دو مرد را مثل بزنی که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو [باغ] را با درختان خرما پوشاندیم و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم

**مکارم:** برای آنها مثالی بیان کن، داستان آن دو مرد را که برای یکی از آنها دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم، و در گرداگرد آن درختان نخل و در میان این دو زراعت پربرکت.

كَلْنَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا ﴿٣٣﴾

**فولادوند:** هر يك از اين دو باغ محصول خود را [به موقع] می‌داد و از [صاحبش] چیزی دریغ نمی‌ورزید و میان آن دو [باغ] نهري روان کرده بودیم

**مکارم:** هر دو باغ میوه آورده بودند (میوه‌های فراوان) و چیزی فروگذار نکرده بودند، و میان آن دو نهر بزرگی از زمین بیرون فرستادیم.

وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾

**فولادوند:** و برای او میوه فراوان بود پس به رفیقش در حالی که با او گفت و گو می‌کرد گفت مال من از تو بیشتر است و از حیث افراد از تو نیرومندترم

**مکارم:** صاحب این باغ درآمد قابل ملاحظه‌ای داشت به همین جهت به دوستش در حالی که به گفتگو برخاسته بود چنین گفت من از نظر ثروت از تو برترم، و نفراتم نیرومندتر است!

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿٣٥﴾

**فولادوند:** و در حالی که او به خویشتن ستمکار بود داخل باغ شد [و] گفت گمان نمی‌کنم این نعمت هرگز زوال پذیرد

**مکارم:** و در حالی که به خود ستم می‌کرد در باغش گام نهاد و گفت من گمان نمی‌کنم هرگز این باغ فانی و نابود شود.

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٣٦﴾

**فولادوند:** و گمان نمی‌کنم که رستاخیز بر پا شود و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم قطعاً بهتر از این را در بازگشت خواهم یافت

**مکارم:** و باور نمی‌کنم قیامت برپا گردد و اگر به سوی پروردگارم بازگردم (و قیامتی در کار باشد) جایگاهی بهتر از اینجا خواهم یافت!

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا ﴿٣٧﴾

**فولادوند:** رفیقش در حالی که با او گفت و گو می‌کرد به او گفت آیا به آن کسی که تو را از خاک سپس از نطفه آفرید آنگاه تو را [به صورت] مردی درآورد کافر شدی

**مکارم:** دوست (با ایمان)ش در حالی که با او به گفتگو پرداخته بود گفت: آیا به خدائی که تو را از خاک و سپس از نطفه آفرید، و بعد از آن تو را مرد کاملی قرار داد کافر شدی؟!

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٣٨﴾

**فولادوند:** اما من [می‌گویم] اوست خدا پروردگار من و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی‌سازم

**مکارم:** ولی من کسی هستم که «الله» پروردگار من است، و هیچکس را شریک پروردگارم قرار نمی‌دهم.



وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ ثَرْنَ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٣٩﴾

**فولادوند:** و چون داخل باغ شدی چرا نگفتی ماشاء الله نیرویی جز به [قدرت] خدا نیست اگر مرا از حیث مال و فرزند کمتر از خود می بینی

**مکارم:** تو چرا هنگامی که وارد باغ شدی نگفتی این نعمتی است که خدا خواسته ؟ قوت (و نیروئی) جز از ناحیه خدا نیست، اما اگر می بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم (مطلب مهمی نیست).

فَعَسَى رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فُتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ﴿٤٠﴾

**فولادوند:** امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من عطا فرماید و بر آن [باغ تو] آفتی از آسمان بفرستد تا به زمینی هموار و لغزنده تبدیل گردد

**مکارم:** شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد، و مجازات حساب شده ای از آسمان بر باغ تو فرو فرستد، آنچنانکه آنرا به زمین بی گیاه لغزنده ای تبدیل کند!

أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَاهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلْبًا ﴿٤١﴾

**فولادوند:** یا آب آن [در زمین] فروکش کند تا هرگز نتوانی آن را به دست آوری

**مکارم:** و یا آب آن در اعماق زمین فرو رود، آنچنانکه هرگز قدرت جستجوی آنرا نداشته باشی!

وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٤٢﴾

**فولادوند:** [تا به او رسید آنچه را باید برسد] و [آفت آسمانی] میوه هایش را فرو گرفت پس برای [از کف دادن] آنچه در آن [باغ] هزینه کرده بود دستهایش را بر هم می زد در حالی که داربستهای آن فرو ریخته بود و [به حسرت] می گفت ای کاش هیچ کس را شریک پروردگارم نمی ساختم

**مکارم:** (به هر حال عذاب خدا فرا رسید) و تمام میوه های آن نابود شد، او مرتباً دستهای خود را - بخاطر هزینه هائی که در آن صرف کرده بود - بهم می مالید، در حالی که تمام باغ بر پایه ها فرو ریخته بود، و می گفت ایکاش کسی را شریک پروردگارم قرار نداده بودم!

وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ﴿٤٣﴾

**فولادوند:** و او را در برابر خدا گروهی نبود تا یاریش کنند و توانی نداشت که خود را یاری کند

**مکارم:** و گروهی، غیر از خدا، نداشت که او را یاری کنند، و نمی توانست از خویشتن یاری گیرد.

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿٤٤﴾

**فولادوند:** در آنجا [اشکار شد که] یاری به خدای حق تعلق دارد اوست بهترین پاداش و [اوست] بهترین فرجام

**مکارم:** در این هنگام ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند حق است، او است که برترین ثواب و بهترین عاقبت را (برای مطیعان) دارد.

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ  
الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿٢٥﴾

**فولادوند:** و برای آنان زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم سپس گیاه زمین با آن درآمیخت و [چنان] خشک گردید که بادهای پراکنده‌اش کردند و خداست که همواره بر هر چیزی تواناست

**مکارم:** زندگی دنیا را برای آنها به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می‌فرستیم، و به وسیله آن گیاهان زمین، سرسبز و درهم فرو می‌روند، اما بعد از مدتی می‌خشکند، به گونه‌ای بادهای آنها را به هر سو پراکنده می‌کنند، و خداوند بر هر چیز توانا است

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿٢٦﴾

**فولادوند:** مال و پسران زیور زندگی دنیایند و نیکبای ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است  
**مکارم:** مال و فرزندان، زینت حیات دنیا هستند، و باقیات صالحات (ارزشهای پایدار و شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امید بخش تر است.

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٧﴾

**فولادوند:** و [یاد کن] روزی را که کوهها را به حرکت درمی‌آوریم و زمین را آشکار [و صاف] می‌بینی و آنان را گرد می‌آوریم و هیچ يك را فرو گذار نمی‌کنیم

**مکارم:** بخاطر بیاور روزی را که کوهها را به حرکت در می‌آوریم، و زمین را آشکار (و مسطح) می‌بینی، و همه آنها (انسانها) را محشور می‌کنیم و احدی را فروگذار نخواهیم کرد.

وَعُرِضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ﴿٢٨﴾

**فولادوند:** و ایشان به صف بر پروردگارت عرضه می‌شوند [و به آنها می‌فرماید] به راستی همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم [باز] به سوی ما آمدید بلکه پنداشتید هرگز برای شما موعدی مقرر قرار نخواهیم داد  
**مکارم:** آنها همه در يك صف به پروردگارت عرضه می‌شوند (و به آنها گفته می‌شود) شما همگی نزد ما آمدید آنگونه که در آغاز شما را آفریدیم اما شما گمان می‌کردید ما موعدی برایتان قرار نخواهیم داد.

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً

وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾

**فولادوند:** و کارنامه [عمل شما در میان] نهاده می‌شود آنگاه بزهکاران را از آنچه در آن است بیمناک می‌بینی و می‌گویند ای وای بر ما این چه نامه‌ای است که هیچ [کار] کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته جز اینکه همه را به حساب آورده است و آنچه را انجام داده‌اند حاضر یابند و پروردگار تو به هیچ کس ستم روا نمی‌دارد

**مکارم:** و کتاب (کتابی که نامه اعمال همه انسانها است) در آنجا گذارده می‌شود، اما گنهکاران را می‌بینی که از آنچه در آن است ترسان و متوحش اند، و می‌گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست مگر اینکه آنرا شماره کرده است؟ و همه اعمال خود را حاضر می‌بینند، و پروردگارت به احدی ظلم نمی‌کند.

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾

**فولادوند:** و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید پس [همه] جز ابلیس سجده کردند که از [گروه] جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید آیا [با این حال] او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید و حال آنکه آنها دشمن شمایند و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند

**مکارم:** به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید آنها همگی سجده کردند، جز ابلیس، او از جن بود، سپس از فرمان پروردگارش خارج شد، آیا (با اینحال) او و فرزندان او را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید در حالی که دشمن شما هستند؟ اینها چه جانشینهای بدی برای ظالمانند.

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُمْ تُتَّخَذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ﴿٥١﴾

**فولادوند:** [من] آنان را نه در آفرینش آسمانها و زمین به شهادت طلبیدم و نه در آفرینش خودشان و من آن نیستم که گمراهگران را همکار خود بگیرم

**مکارم:** من آنها را به هنگام آفرینش آسمانها و زمین حاضر نساختم، و نه بهنگام آفرینش نوع خودشان، و من گمراه کنندگان را دستیار خود

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ﴿٥٢﴾

**فولادوند:** و [یاد کن] روزی را که [خدا] می‌گوید آنها را که شریکان من پنداشتید ندا دهید پس آنها را بخوانند و [لی] اجابتشان نکنند و ما میان آنان ورطه‌ای قرار دهیم

**مکارم:** بخاطر بیاورید روزی را که خدا می‌گوید شریکهای را که برای من می‌پنداشتید صدا بزنید (تا به کمک شما بشتابند) ولی هر چه آنها را می‌خوانند جوابشان نمی‌دهند، و ما در میان این دو گروه کانون هلاکتی قرار داده‌ایم.

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾

**فولادوند:** و گناهکاران آتش [دوزخ] را می‌بینند و درمی‌یابند که در آن خواهند افتاد و از آن راه گریزی نیابند

**مکارم:** و گناهکاران آتش (دوزخ) را می‌بینند و یقین می‌کنند که بر آتش افکنده میشوند و هم آتش بر آنها، و هیچگونه راه گریزی از آن نخواهند یافت!

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾

**فولادوند:** و به راستی در این قرآن برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم و [لی] انسان بیش از هر چیز سر جدال دارد

**مکارم:** ما در این قرآن هر گونه مثلی را برای مردم بیان کرده‌ایم، ولی انسان بیش از هر چیز به جدل می‌پردازد.

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأُولَىٰ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾

**فولادوند:** و چیزی مانع مردم نشد از اینکه وقتی هدایت به سویشان آمد ایمان بیاورند و از پروردگارشان آمرزش بخواهند جز اینکه

[مستحق شوند] تا سنت [خدا در مورد عذاب] پیشینیان در باره آنان [نیز] به کار رود یا عذاب رویارویشان بیاید

**مکارم:** تنها مانع انسانها از اینکه هنگامی که هدایت به سراغشان آمد ایمان بیاورند و از پروردگارشان تقاضای آمرزش کنند این بود

که سرنوشت پیشینیان دامانشان را بگیرد، و یا عذاب الهی را در برابر خود مشاهده کنند!

وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا ﴿٥٦﴾

**فولادوند:** و پیامبران [خود] را جز بشارت‌دهنده و بیم‌رسان گسیل نمی‌داریم و کسانی که کافر شده‌اند به باطل مجادله می‌کنند

تا به وسیله آن حق را پایمال گردانند و نشانه‌های من و آنچه را [بدان] بیم داده شده‌اند به ریشخند گرفتند

**مکارم:** ما پیامبران را جز برای بشارت و انداز نمی‌فرستیم، اما کافران همواره مجادله به باطل می‌کنند تا (به گمان خود) حق را از

میان بردارند، و آیات ما و مجازاتهای را که به آنها وعده داده شده است به باد مسخر گیرند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٥٧﴾

**فولادوند:** و کیست ستمکارتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شده و از آن روی برتافته و دستاورد پیشینه خود را

فراموش کرده است ما بر دلهای آنان پوششهایی قرار دادیم تا آن را درنیابند و در گوشه‌هایشان سنگینی [نهادیم] و اگر آنها را به

سوی هدایت فراخوانی باز هرگز به راه نخواهند آمد

**مکارم:** چه کسی ستمکارتر است از آنها که به هنگام یادآوری آیات پروردگارش از آن روی می‌گردانند، و آنچه را با دست خود

انجام داده فراموش می‌کنند، ما بر دلهایشان پرده افکنده‌ایم تا نفهمند، و در گوشه‌هایشان سنگینی قرار داده‌ایم (تا صدای حق را

نشنوند!) و لذا اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی هرگز هدایت نمی‌شوند!

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا ﴿٥٨﴾

**فولادوند:** و پروردگار تو آمرزنده [و] صاحب رحمت است اگر به [جرم] آنچه مرتکب شده‌اند آنها را مؤاخذه می‌کرد قطعا در عذاب آنان تعجیل می‌نمود [ولی چنین نمی‌کند] بلکه برای آنها سر رسیدی است که هرگز از برابر آن راه گریزی نمی‌یابند  
**مکارم:** و پروردگار تو آمرزنده و صاحب رحمت است، اگر میخواست آنها را مجازات کند عذاب هر چه زودتر برای آنها می‌فرستاد، ولی برای آنها موعدی است که با فرا رسیدنش راه فراری نخواهند داشت.

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا ﴿٥٩﴾

**فولادوند:** و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند هلاکتشان کردیم و برای هلاکتشان موعدی مقرر داشتیم  
**مکارم:** اینها شهرها و آبادیهای است (که ویرانه‌هایش را با چشم می‌بینید) ما آنها را به هنگامی که ستم کرده‌اند هلاک کردیم و (در عین حال) برای هلاکتشان موعدی قرار دادیم.

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾

**فولادوند:** و [یاد کن] هنگامی را که موسی به جوان [همراه] خود گفت دست بردار نیستم تا به محل برخورد دو دریا برسیم هر چند سالها [ی سال] سیر کنم  
**مکارم:** بخاطر بیاور هنگامی که موسی به دوست خود گفت: من دست از طلب برنمی‌دارم تا به محل تلاقی دو دریا برسیم هر چند مدت طولانی به راه خود ادامه دهم.

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾

**فولادوند:** پس چون به محل برخورد دو [دریا] رسیدند ماهی خودشان را فراموش کردند و ماهی در دریا راه خود را در پیش گرفت [و رفت]  
**مکارم:** هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا رسیدند ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند فراموش کردند و ماهی راه خود را در پیش گرفت (و روان شد).

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾

**فولادوند:** و هنگامی که [از آنجا] گذشتند [موسی] به جوان خود گفت غذایمان را بیاور که راستی ما از این سفر رنج بسیار دیدیم  
**مکارم:** هنگامی که از آنجا گذشتند موسی به یار همسفرش گفت غذای ما را بیاور که از این سفر، سخت خسته شده‌ایم.

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ

## فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾

**فولادوند:** گفت دیدی وقتی به سوی آن صخره پناه جستیم من ماهی را فراموش کردم و جز شیطان [کسی] آن را از یاد من نبرد تا به یادش باشم و به طور عجیبی راه خود را در دریا پیش گرفت

**مکارم:** او گفت بخاطر داری هنگامی که ما به کنار آن صخره پناه بردیم (و استراحت کردیم من در آنجا فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم، این شیطان بود که باد آنرا از خاطر من برد، و ماهی به طرز شگفتانگیزی راه خود را در دریا پیش گرفت!

## قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٤﴾

**فولادوند:** گفت این همان بود که ما می‌جستیم پس جستجوکنان رد پای خود را گرفتند و برگشتند

**مکارم:** (موسی) گفت این همان است که ما می‌خواستیم، و آنها از همان راه بازگشتند در حالی که پیچوئی می‌کردند.

## فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِمَّا لَدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾

**فولادوند:** تا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم

**مکارم:** (در آنجا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که او را مشمول رحمت خود ساخته و از سوی خود علم فراوانی به او تعلیم داده بودیم.

## قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَٰ رُشْدًا ﴿٦٦﴾

**فولادوند:** موسی به او گفت آیا تو را به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده‌ای به من یاد دهی پیروی کنم

**مکارم:** موسی به او گفت آیا من از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده است و مایه رشد و صلاح است به من بیاموزی؟!

## قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٦٧﴾

**فولادوند:** گفت تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی

**مکارم:** گفت تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبائی کنی!

## وَكَيفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٦٨﴾

**فولادوند:** و چگونه می‌توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی

**مکارم:** و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از رموزش آگاه نیستی شکیبا باشی.

## قَالَ سَتَجِدُنِي إِنِ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾

**فولادوند:** گفت ان شاء الله مرا شکیبا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد

**مکارم:** (موسی) گفت انشاء الله مرا شکيبا خواهی یافت، و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد.

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٧٠﴾

**فولادوند:** گفت اگر مرا پیروی می‌کنی پس از چیزی سؤال مکن تا [خود] از آن با تو سخن آغاز کنم

**مکارم:** (خضر) گفت پس اگر میخواهی به دنبال من بیایی از هیچ چیز سؤال مکن تا خودم (به موقع) آنرا برای تو بازگو کنم.

فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخْرَقْتُهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٧١﴾

**فولادوند:** پس رهسپار گردیدند تا وقتی که سوار کشتی شدند [وی] آن را سوراخ کرد [موسی] گفت آیا کشتی را سوراخ کردی

تا سرنشینانش را غرق کنی واقعا به کار ناروایی مبادرت ورزیدی

**مکارم:** آنها به راه افتادند تا اینکه سوار کشتی شدند و او کشتی را سوراخ کرد، (موسی) گفت آیا آنرا سوراخ کردی که اهلش را

غرق کنی، راستی چه کار بدی انجام دادی؟!

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾

**فولادوند:** گفت آیا نگفتم که تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی

**مکارم:** گفت نگفتم تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبائی کنی؟!

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٣﴾

**فولادوند:** [موسی] گفت به سبب آنچه فراموش کردم مرا مؤاخذه مکن و در کارم بر من سخت مگیر

**مکارم:** (موسی) گفت مرا بخاطر این فراموشکاری مؤاخذه مکن، و بر من بخاطر این امر سخت مگیر.

فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي بِنَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ﴿٧٤﴾

**فولادوند:** پس رفتند تا به نوجوانی برخوردند [بنده ما] او را کشت [موسی به او] گفت آیا شخص بی‌گناهی را بدون اینکه کسی

را به قتل رسانده باشد کشتی واقعا کار ناپسندی مرتکب شدی

**مکارم:** باز به راه خود ادامه دادند تا اینکه کودکی را دیدند و او آن کودک را کشت! (موسی) گفت: آیا انسان پاکی را بیآنکه قتلی

کرده باشد کشتی؟! به راستی کار منکر و زشتی انجام دادی!

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٥﴾

**فولادوند:** گفت آیا به تو نگفتم که هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی

**مکارم:** (باز آن مرد عالم) گفت به تو نگفتم تو هرگز توانائی نداری با من صبر کنی؟!

قَالَ إِن سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنَ لَدُنِّي عُذْرًا ﴿٧٦﴾

**فولادوند:** [موسی] گفت اگر از این پس چیزی از تو پرسیدم دیگر با من همراهی مکن [و] از جانب من قطعاً معذور خواهی بود  
**مکارم:** (موسی) گفت اگر بعد از این از تو درباره چیزی سؤال کنم دیگر با من مصاحبت نکن، چرا که از ناحیه من دیگر معذور خواهی بود!

فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ﴿٧٧﴾

**فولادوند:** پس رفتند تا به اهل قریه‌ای رسیدند از مردم آنجا خوراکی خواستند و [لی آنها] از مهمان نمودن آن دو خودداری کردند پس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد و [بنده ما] آن را استوار کرد [موسی] گفت اگر می‌خواستی [می‌توانستی] برای آن مزدی بگیری

**مکارم:** باز به راه خود ادامه دادند، تا به قریه‌ای رسیدند، از آنها خواستند که به آنها غذا دهند، ولی آنها از مهمان کردنشان خودداری نمودند (با اینحال) آنها در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرود آید، (آن مرد عالم) آنرا برپا داشت، (موسی) گفت (لااقل) می‌خواستی در مقابل این کار اجرتی بگیری!؟

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ سَأُنْبِئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٨﴾

**فولادوند:** گفت این [بار دیگر وقت] جدایی میان من و توست به زودی تو را از تاویل آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی آگاه خواهم ساخت  
**مکارم:** او گفت اینک وقت جدایی من و تو فرا رسیده است، اما به زودی سر آنچه را که نتوانستی در برابر آن صبر کنی برای تو بازگو می‌کنم.

أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿٧٩﴾

**فولادوند:** اما کشتی از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند خواستم آن را معیوب کنم [چرا که] پیشاپیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی [درستی] را به زور می‌گرفت  
**مکارم:** اما آن کشتی متعلق به گروهی از مستمندان بود که با آن در دریا کار می‌کردند و من خواستم آنرا معیوب کنم (چرا که) پشت سر آنها پادشاهی ستمگر بود که هر کشتی را از روی غصب می‌گرفت.

وَأَمَّا الْعُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿٨٠﴾

**فولادوند:** و اما نوجوان پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند پس ترسیدیم [مبادا] آن دو را به طغیان و کفر بکشد  
**مکارم:** و اما آن نوجوان پدر و مادرش با ایمان بودند، ما نخواستیم او آنها را به طغیان و کفر وادارد.



فَارَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨١﴾

**فولادوند:** پس خواستیم که پروردگارشان آن دو را به پاکتر و مهربانتر از او عوض دهد

**مکارم:** ما اراده کردیم که پروردگارشان فرزند پاکتر و پرمحبت تری بجای او به آنها بدهد.

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَثْرَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٢﴾

**فولادوند:** و اما دیوار از آن دو پسر [بچه] یتیم در آن شهر بود و زیر آن گنجی متعلق به آن دو بود و پدرشان [مردی] نیکوکار بود پس پروردگار تو خواست آن دو [یتیم] به حد رشد برسند و گنجینه خود را که رحمتی از جانب پروردگارت بود بیرون آورند و این [کارها] را من خودسرانه انجام ندادم این بود تاویل آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی

**مکارم:** و اما آن دیوار متعلق به دو نوجوان یتیم در آن شهر بود، و زیر آن گنجی متعلق به آنها وجود داشت و پدرشان مرد صالحی بود، پروردگار تو میخواست آنها به حد بلوغ برسند، و گنجشان را استخراج کنند، این رحمتی از پروردگارت بود، من به دستور خود این کار را نکردم، و این بود سر کارهایی که توانائی شکیبائی در برابر آنها نداشتی!

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾

**فولادوند:** و از تو در باره ذوالقرنین می پرسند بگو به زودی چیزی از او برای شما خواهم خواند

**مکارم:** و از تو در باره «ذو القرنین» سؤال می کنند، بگو به زودی گوشه ای از سرگذشت او را برای شما بازگو خواهم کرد.

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ﴿٨٤﴾

**فولادوند:** ما در زمین به او امکاناتی دادیم و از هر چیزی وسیله ای بدو بخشیدیم

**مکارم:** ما به او در روی زمین قدرت و حکومت دادیم و اسباب هر چیز را در اختیارش نهادیم.

فَاتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٨٥﴾

**فولادوند:** تا راهی را دنبال کرد

**مکارم:** او از این اسباب پیروی (و استفاده) کرد.

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَرْبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْ تَعَذَّبَ وَإِنَّمَا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ﴿٨٦﴾

**فولادوند:** تا آنگاه که به غروبگاه خورشید رسید به نظرش آمد که [خورشید] در چشمه ای گل آلود و سیاه غروب می کند و نزدیک

آن طایفه ای را یافت فرمودیم ای ذوالقرنین [اختیار با توست] یا عذاب می کنی یا در میانشان [روش] نیکویی پیش می گیری

**مکارم:** تا به غروبگاه آفتاب رسید (در آنجا) احساس کرد که خورشید در چشمه (یا دریا) ی - تیره و گل آلودی فرو می‌رود، و در آنجا قومی را یافت، ما گفتیم ای ذو القرنین! آیا می‌خواهی مجازات کنی و یا پاداش نیکویی را در باره آنها انتخاب نمائی؟

قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا ﴿٨٧﴾

**فولادوند:** گفت اما هر که ستم ورزد عذابش خواهیم کرد سپس به سوی پروردگارش بازگردانیده می‌شود آنگاه او را عذابی سخت خواهد کرد

**مکارم:** گفت اما کسانی که ستم کرده‌اند آنها را مجازات خواهیم کرد سپس، به سوی پروردگارش باز می‌گردند و خدا آنها را مجازات شدیدی خواهد نمود.

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ﴿٨٨﴾

**فولادوند:** و اما هر که ایمان آورد و کار شایسته کند پاداشی [هر چه] نیکوتر خواهد داشت و به فرمان خود او را به کاری آسان و خواهیم داشت

**مکارم:** و اما کسی که ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد پاداش نیکو خواهد داشت، و ما دستور آسانی به او خواهیم داد.

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾

**فولادوند:** سپس راهی [دیگر] را دنبال کرد

**مکارم:** سپس (بار دیگر) از اسبابی که در اختیار داشت بهره گرفت.

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا ﴿٩٠﴾

**فولادوند:** تا آنگاه که به جایگاه برآمدن خورشید رسید [خورشید] را [چنین] یافت که بر قومی طلوع می‌کرد که برای ایشان در برابر آن پوششی قرار نداده بودیم

**مکارم:** تا به خاستگاه خورشید رسید (در آنجا) مشاهده کرد که خورشید بر جمعیتی طلوع می‌کند که جز آفتاب برای آنها پوششی قرار نداده بودیم.

كَذَٰلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خَيْرًا ﴿٩١﴾

**فولادوند:** این چنین [می‌رفت] و قطعاً به خبری که پیش او بود احاطه داشتیم

**مکارم:** (آری) این چنین بود (کار ذو القرنین) و ما به خوبی از امکاناتی که نزد او بود آگاه بودیم.

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾

**فولادوند:** باز راهی را دنبال نمود

**مکارم:** (باز) از اسباب مهمی (که در اختیار داشت) استفاده کرد.

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾

**فولادوند:** تا وقتی به میان دو سد رسید در برابر آن دو [سد] طایفه‌ای را یافت که نمی‌توانستند هیچ زبانی را بفهمند

**مکارم:** (و همچنان به راه خود ادامه داد) تا به میان دو کوه رسید، و در آنجا گروهی غیر از آن دو را یافت که هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند!

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾

**فولادوند:** گفتند ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می‌کنند آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی

**مکارم:** (آن گروه به او) گفتند ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج در این سرزمین فساد می‌کنند آیا ممکن است ما هزینه‌ای برای تو قرار دهیم که میان ما و آنها سدی ایجاد کنی؟

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٥﴾

**فولادوند:** گفت آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده [از کمک مالی شما] بهتر است مرا با نیروی [انسانی] یاری کنید [تا] میان شما و آنها سدی استوار قرار دهم

**مکارم:** (ذوالقرنین) گفت: آنچه را خدا در اختیار من گذارده بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید) مرا با نیروی یاری کنید، تا میان شما و آنها سد محکمی ایجاد کنم.

أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٩٦﴾

**فولادوند:** برای من قطعات آهن بیاورید تا آنگاه که میان دو کوه برابر شد گفت بدمید تا وقتی که آن [قطعات] را آتش گردانید گفت مس گداخته برایم بیاورید تا روی آن بریزم

**مکارم:** قطعات بزرگ آهن برای من بیاورید (و آنها را به روی هم چیند) تا کاملاً میان دو کوه را پوشانید، سپس گفت (آتش در اطراف آن بیاورید و) در آتش بدمید، (آنها دمیدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، گفت (اکنون) مس ذوب شده برای من بیاورید تا به روی آن بریزم.

فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ﴿٩٧﴾

**فولادوند:** [در نتیجه اقوام وحشی] نتوانستند از آن [مانع] بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند

**مکارم:** (سرانجام آنچه‌ان سد نیرومندی ساخت) که آنها قادر نبودند از آن بالا روند و نمی‌توانستند نقبی در آن ایجاد کنند.

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ﴿٩٨﴾

**فولادوند:** گفت این رحمتی از جانب پروردگار من است و [لی] چون وعده پروردگارم فرا رسد آن [سد] را درهم کوبد و وعده پروردگارم حق است

**مکارم:** گفت این از رحمت پروردگار من است اما هنگامی که وعده پروردگارم فرا رسد آنرا در هم می‌کوبد و وعده پروردگارم حق است.

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿٩٩﴾

**فولادوند:** و در آن روز آنان را رها می‌کنیم تا موج‌آسا بعضی با برخی درآمیزند و [همین که] در صور دمیده شود همه آنها را گرد خواهیم آورد

**مکارم:** در آن روز (که جهان پایان می‌گیرد) ما آنها را چنان رها می‌کنیم که درهم موج می‌زنند و در صور دمیده می‌شود و ما همه را جمع می‌کنیم.

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿١٠٠﴾

**فولادوند:** و آن روز جهنم را آشکارا به کافران بنماییم

**مکارم:** در آن روز جهنم را به کافران عرضه می‌داریم

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ﴿١٠١﴾

**فولادوند:** [به] همان کسانی که چشمان [بصیرت]شان از یاد من در پرده بود و توانایی شنیدن [حق] نداشتند

**مکارم:** همانها که چشم‌هایشان در پرده بود و به یاد من نیفتادند، و قدرت شنوایی نداشتند!

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِينَ نَزُلًا ﴿١٠٢﴾

**فولادوند:** آیا کسانی که کفر ورزیده‌اند پنداشته‌اند که [می‌توانند] به جای من بندگانم را سرپرست بگیرند ما جهنم را آماده کرده‌ایم تا جایگاه پذیرایی کافران باشد

**مکارم:** آیا کافران گمان کردند می‌توانند بندگان مرا به جای من اولیای خود انتخاب کنند. ما برای کافران جهنم را منزلگاه قرار دادیم.

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾

**فولادوند:** بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم

**مکارم:** بگو آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟

الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾

**فولادوند:** [آنان] کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند

**مکارم:** آنها که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده؛ با اینحال می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند!

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا ﴿١٠٥﴾

**فولادوند:** [آری] آنان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند در نتیجه اعمالشان تباه گردید و روز قیامت برای آنها

[قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد

**مکارم:** آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند، به همین جهت اعمالشان حبط و نابود شد، لذا روز

قیامت میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد.

ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُؤًا ﴿١٠٦﴾

**فولادوند:** این جهنم سزای آنان است چرا که کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به ریشخند گرفتند

**مکارم:** اینگونه کیفر آنها دوزخ است، بخاطر آنکه کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به باد استهزاء گرفتند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾

**فولادوند:** بی‌گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند باغهای فردوس جایگاه پذیرایی آنان است

**مکارم:** اما کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند باغهای فردوس منزلگاهشان است.

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾

**فولادوند:** جاودانه در آن خواهند بود و از آنجا درخواست انتقال نمی‌کنند

**مکارم:** آنها جاودانه در آن خواهند ماند و هرگز تقاضای نقل مکان از آنجا نمی‌کنند.

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾

﴿١٠٩﴾

**فولادوند:** بگو اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد قطعاً دریا پایان می‌یابد هر چند

نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم

**مکارم:** بگو اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شوند، دریاها پایان می‌گیرند پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد،

هر چند همانند آن (دریاها) را به آن اضافه کنیم!

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا

وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾

**فولادوند:** بگو من هم مثل شما بشری هستم و [لی] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد

**مکارم:** بگو من فقط بشری هستم همچون شما (امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که معبود شما تنها یکی است، پس هر کس امید لقای پروردگارش را دارد باید عمل صالح انجام دهد، و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

